

متن پرسش

باسمه تعالی. سلام علیکم: استاد سال هاست که از مباحثتان استفاده می‌کنم. الان در حال تدوین موضوع و طرح پایان نامه هستم و موضوعم «تعلیم آموزه های دینی با رویکرد معرفت نفس» است. می‌خواستم در این زمینه به بنده کمک کنید تا ان شاءالله منجر به تدوین «نظام تعلیم و تربیت با رویکرد معرفت النفس» شود. متن طرح: یکی از مباحث اصولی و بنیادین در فلسفه و عرفان اسلامی «معرفت نفس» و به تعبیر دیگر «معرفت شهودی نفس» است که در آیات و روایات متعددی به این مهم اشاره شده است. در معرفت آفاقی که بر مبنای علم حصولی صورت می‌گیرد، پایه و اساس مفاهیمی هستند که در ذهن شکل می‌گیرند و بر اساس آن برهان های مختلفی برای اهداف مورد نظر صورت بندی می‌شود. در این نوع معرفت انسان به وجود حقایق و خدا آگاه می‌شود ولی لزوماً این نوع معرفت سبب ارتباط با حقایق و حضرت حق و بندگی نمی‌شود. لذا پایه و اساس در معرفت انفسی «شهود» و «درک حضوری» است به این معنا که انسان همه چیز را در وجود و نفس خود مشاهده و کشف می‌کند و از این نظر تاثیر عمیق تری بر جان و دلش می‌گذارد. معرفت انفسی بر خلاف آفاقی نتیجه و محصول فکر و اندیشه و مفاهیم ذهنی نیست بلکه از نوع سلوک و عرفان عملی و فاصله گرفتن از کامجویی های حیوانی است که با ریاضت و مراقبت و مجاهدت میسر می‌شود. در اثر همین مجاهدت ها و مراقبت ها، نفس به جایگاه و مرتبه‌ای از ظهور می‌رسد که فقر وجودی و عین‌الربط بودن خود را به حضرت حق، شهود می‌کند و در پرتو شهود فقر و نیاز خود، حق تعالی را به شهود می‌نشیند و این همان معنای حدیث پیامبر اعظم است که فرمودند: «من عرف نفسه فقد عرف ربه». علامه طباطبایی نیز ذیل آیه ۱۰۵ سوره مائده «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مِنْ ضَلٍّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» اینگونه به معرفت نفس اشاره می‌کنند: از آن‌رو که خداوند به مؤمنان دستور می‌دهد ملازم و مراقب نفس خویش باشید دانسته می‌شود که منظور از «راه و طریقی» که به پیمودن آن امر شده، همان «نفس» انسان است. بنابراین، راه هدایت که انسان را به سرمنزل مقصود می‌رساند، همان «نفس» آدمی است؛ «فنفس المؤمن هو طریقه الذی یسلکه الی ربّه و هو طریق هداه و هوالمنتهی به الی سعاده». از طرفی دیگر سالک و رهپوی این طریق نیز همان «نفس» انسان است و چون انسان در بستر نفس خویش در حرکت است تا به غایت و کمال خود که پروردگار است دست یابد، لذا اینجاست که «وحدت سالک و مسلک و مسلوک‌الیه» معنا می‌یابد؛ از این‌رو، اهل معرفت گفته‌اند: «آنکه خود را زرع و زارع و مزرعه خویش نداند، از سعادت جاودانی بماند». لذا در مواجهه با کسب معرفت دو راه پیش رو داریم: یکی

معرفت آفاقی و دیگری معرفت انفسی که البته معرفت آفاقی مقدمه ای است برای رسیدن به معرفت انفسی. حال در مواجهه با کسب معارف و آموزه های دینی نیز با همین دو رویکرد مواجه هستیم که به نظر می رسد تا کنون برای انتقال و آموزش معارف دینی، بیشتر از سیر آفاقی بهره جسته ایم. نوشتار پیش رو سعی دارد که نشان دهد تعلیم آموزه های دینی به متریبان با رویکرد معرفت انفسی اولاً به لحاظ کمی تاثیر بیشتری دارد ثانیاً به لحاظ کیفی این اثر ماندگاری بیشتری دارد ثالثاً بر عمق و جان متری به گونه ای اثر می گذارد که آموزه های دینی را صرفاً یاد نمی گیرد بلکه در خودش کشف می کند. از این رو احساس می شود که تعلیم و تربیت به یک تغییر نگرش و رویکرد نیاز دارد تا به جای اینکه ذهن مخاطب و متری را مملو از داده ها و مفاهیم مختلف کند و او را فقط از وجود حقایق «آگاه» کند، دست او را بگیرد و حقایق عالم را به او نشان دهد و به تعبیر دقیق تر خود متری حقایق عالم را که در ابتدا خارج از خود می پنداشت، به تدریج ذیل وجود خود شهود کند و بین خودش و حقایق عالم «ارتباط» برقرار کند و این همان معنای حدیث شریف امیرالمومنین علیه السلام است که می فرمایند: «معرفت النفس أنفع للمعرفتین». نسل کنونی و جامعه قرن ۲۱ تشنه معارفی است که جانشان را سیراب کند و نه اینکه صرفاً با استدلال های خشک و بی روحی مواجه شوند که شاید بتواند مرهمی برای برخی از سوالات عقلی شان باشد. نسل کنونی خدا را به عنوان حقیقی ترین حقایق پذیرفته است ولی هنوز نتوانسته است که این خدا را وارد زندگی روزمره خود کند و بدین ترتیب از ارتباط با او لذت ببرد و بفهمد که همه چیز به دست اوست. اصلاً با حذف خدا از چنین جامعه ای مشکلی پیش نمی آید چون از یک خدای مفهومی که توسط عقل و استدلال به اثبات رسیده است کاری بر نمی آید. خدای قادر عالم رزاق خدایی است که لحظه به لحظه باید از طریق قلب و جان با او ارتباط برقرار کرد به گونه ای که یافتن او همه چیز خواهد بود و به فرموده سیدالشهداء علیه السلام: «ماذا فقد من وجدك و ماذا وجد من فقدك؟». جوان امروز مطمئن است که روزی همچون دیگران از این دنیا خواهد رفت چون همه روزه این واقعیت را در بیرون از خود مشاهده می کند ولی اگر اثری بر روی او ندارد برای این است که هیچگاه مرگ و معاد و قیامت را از درون خود و لایه های عمیق نفس خود مشاهده نکرده است و اصلاً احتمال نمی دهد همچین راه ژرف و شگرفی به نام معرفت نفس وجود دارد. لذا حاصل این تحقیق می تواند اولاً منجر به تغییر نگاه برای نظریه پردازان فلسفه و تعلیم و تربیت باشد تا افق جدیدی را برای مخاطبان و متریبان ترسیم کنند و ثانیاً گامی باشد برای حرکت به سوی تدوین نظام تعلیم و تربیت با رویکرد انفسی که منجر به درونی و حضوری شدن مفاهیم دینی شود. با سپاس فراوان

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: مطلب درست و ارزشمندی است امید است با پشتکارتان بتوانید هرکدام از موضوعات را در بابی مجزا تدوین کنید. از نکات مطرح شده در «رسالة الولاية» علامه غفلت نشود.

